

موانع و آسیب‌های غیر معرفتی تفسیر قرآن

مصطفی کریمی*

چکیده

شناخت موانع و آسیب‌های تفسیر و پرهیز از آنها، برای رسیدن به فهم صحیح قرآن و بهره‌مندی از هدایت آن ضروری است. در این مقاله تلاش شده است تا موانع و آسیب‌های غیر معرفتی یعنی آسیب‌های اعتقادی، گرایشی و اخلاقی شناسایی و معرفی شوند تا زمینه فهم صحیح قرآن کریم فراهم آید. تلاش شده است افزون بر بحث نظری از آسیب‌ها نمونه‌ای از تفاسیر موجود نیز بیان شود. این موانع و آسیب‌ها عبارتند از: ناپاوری به حجیت ظواهر قرآن کریم، اعتقاد به خودبستگی قرآن، ناپاوری یا ضفلت از ویژگی‌های فرازمینی قرآن، مصون نداشتن قرآن از تحریف، و عدم توجه به اقسام آیات، استبداد به رأی و خودمحوری، دخالت دادن پیش‌داوری و تمایلات و تمصّبات شخصی و گروهی در تفسیر، تقدیس ناپسند تمام روایات تفسیری، و تقلید نابجا از آرای پیشینیان و بی‌تقوایی. این موانع باعث می‌شود که مفسّر نتواند به مراد الهی از آیات قرآن کریم و یا به درک ژرفای این کتاب الهی برسد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های تفسیر، ناپاوری به حجیت ظواهر قرآن، قرآن بستندگی در تفسیر، الهی بودن قرآن، مصونیت قرآن از تحریف، استبداد رأی، پیش‌داوری، تقلید، بی‌تقوایی.

مقدمه

اساس گزارش برخی منابع شیعی و سنی، شماری از عالمان مسلمان بر این باورند که قرآن را جز با روایات^(۱) نمی‌توان تفسیر کرد و بر هیچ‌کس، هرچند آشنا با علوم ادبی و بلاغی و اصول فقه و تاریخ، جایز نیست که چیزی از قرآن را تفسیر کند.^(۲) لازمه کلام برخی دانشمندان اسلامی نیز چنین اعتقادی است. محمدمین استرآبادی، از بزرگان اخباریان، آیات قرآن را بدون روایات اهل بیت علیهم‌السلام غیرقابل فهم دانسته و می‌گوید: «در احکام نظری شرع، اعم از اصول و کلیات یا فروع و جزئیاتی که بدان‌ها آگاهی نداریم، راهی جز شنیدن از امامان معصوم علیهم‌السلام نیست، و استنباط احکام نظری از ظواهر کتاب و سنت نبوی پیش از آنکه نظریه اظهار علیهم‌السلام را درباره ظاهر آن دو بدانیم جایز نیست.»^(۳)

برخی از اخباری‌ها فهم معنای قرآن را مطلقاً، حتی در مثل «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید: ۱) جز با تفسیر معصوم علیهم‌السلام غیرجایز دانسته‌اند.^(۴)

بر خلاف این دیدگاه، شواهد قرآنی و روایی بر حجیت ظواهر قرآن کریم و قابل فهم بودن آن برای غیرمعصوم دلالت دارد. قرآن کریم زبان خود را عربی روشن معرفی کرده^(۵) و بر اساس اصول محاوره عقلایی با مردم سخن گفته است. اگر فهم قرآن کریم روش دیگری داشت، می‌بایست برای مردم بیان می‌شد تا دچار کژفهمی نشوند و هدف از نزول قرآن که هدایت مردم است از میان نرود. افزون بر این، قرآن خود را با واژگانی همچون «بیان»،^(۶) «مبین»،^(۷) «بینة»،^(۸) «تبیان»،^(۹) و «نور»^(۱۰) وصف می‌کند. این واژگان به معنای روشنی و روشنگری،

برای رسیدن به فهم صحیح قرآن، شناخت موانع و آسیب‌های تفسیر و پرهیز از آنها ضروری است. در شماره ۱۳۶ این مجله پس از بیان اهمیت و پیشینه و ضرورت بحث از موانع و آسیب‌های تفسیر قرآن کریم و نیز تقسیم آن به موانع معرفتی، باوری، گرایشی و اخلاقی، موانع معرفتی تفسیر بررسی گردید. موانع و آسیب‌های معرفتی تفسیر عبارتند از: ۱. تفسیر به رأی؛ ۲. تفسیر بر اساس قرائت غیرواقعی؛ ۳. خطا در فهم معنای دقیق واژگان؛ ۴. بهره نگرفتن صحیح از قواعد علم صرف و نحو و علوم بلاغی؛ ۵. ضعف استنتاج؛ ۶. بی‌توجهی به لایه‌های باطنی قرآن کریم و یا باطن قرآن را یگانه مراد الهی دانستن؛ ۷. استناد به قرائن نامعتبر.

در این نوشتار، موانع و آسیب‌های باوری، گرایشی و اخلاقی تفسیر را بررسی می‌کنیم تا با مشخص شدن تمام موانع و آسیب‌های فهم قرآن و راه‌های پرهیز از آنها، زمینه فهم و تفسیر صحیح این کتاب الهی فراهم آید. انشاءالله

۱. موانع و آسیب‌های باوری

مراد از موانع و آسیب‌های باوری تفسیر، آن قسم از موانعی است که عامل آن، باورهای نادرست در مورد قرآن کریم است. در ذیل، به این موانع و آسیب‌ها اشاره می‌شود:

الف. ناپاوری به حجیت ظواهر قرآن کریم

از جمله آسیب‌های فهم قرآن کریم، باور به عدم حجیت ظواهر آیات قرآن برای غیرمعصوم است. بر

ب. اعتقاد به خودبستگی قرآن در تفسیر
 قرآن کریم به شیوه عقلی سخن گفته است و یکی از
 امور لازم و مورد توجه در اصول محاوره عقلایی
 برای فهم سخن، مراجعه به تمام قرینه‌های پیوسته و
 ناپیوسته لفظی و غیرلفظی و بهره بردن از تمام منابع
 است. به رغم اینکه نخستین و مهم‌ترین منبع تفسیر،
 آیات دیگر خود قرآن است، ولی کافی نبوده و فهم
 کامل قرآن تنها با توجه به تمام قرائن و بهره بردن از
 همه منابع میسر است؛ زیرا برخی توضیحات در
 قرائن بیرونی قرآن کریم آمده و هیچ راهی برای فهم
 آن از خود قرآن نداریم. روش صحیح تفسیر نزد
 اهل بیت علیهم‌السلام نیز استفاده از تمام منابع و قرائن
 تفسیری است. (۱۸)

از جمله آسیب‌ها و عوامل انحراف و سوءفهم در
 تفسیر قرآن، باور به جزئی‌نگری به قرائن و منابع
 تفسیر مانند قرآن بستگی است. برخی بر این باورند
 که در تفسیر قرآن جز خود قرآن به هیچ منبع دیگری
 نیاز نیست. (۱۹) این افراد در عمل نیز از هیچ منبع
 دیگری استفاده نمی‌کنند؛ (۲۰) مانند صاحب تفسیر
 الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن. این باور نادرست در
 تفسیر، عدم توجه به دیگر منابع تفسیری را در پی
 دارد و زمینه‌های لازم و مؤثر در فهم قرآن را از بین
 برده و راه فهم درست بخشی از قرآن را بر مفسر
 می‌بندد و تفسیرش را دچار آسیب‌هایی می‌کند و
 موجب می‌شود نتوانند به تمام مراد الهی از آیات
 قرآن برسند. حتی اگر مفسری به قرآن‌بستگی باور
 نداشته باشد، ولی در عمل به استفاده از آیات دیگر
 در تفسیر بسنده کند، تفسیرش دچار آسیب می‌شود.
 در تفاسیر نیز مواردی یافت می‌شود که مفسران با

گویایی و رسایی نسبت به مقصود بوده (۱۱) و بیانگر
 قابل فهم بودن این کتاب الهی، و گویایی معانی و
 مقاصد آن است. آیات فراخواننده به تدبیر در
 قرآن (۱۲) و آیات دعوت‌کننده به همانندآوری (۱۳)
 مخالفان، همگی بر قابل فهم بودن قرآن کریم بر
 غیرمعصوم دلالت دارد؛ زیرا در غیر این صورت،
 دعوت به تدبیر و همانندآوری معنا نخواهد داشت.
 همچنین در این زمینه می‌توان به روایات بسیاری، از
 جمله روایاتی که قرآن را معیار ارزیابی روایات
 معرفی می‌کند (۱۴) و نیز روایات بیانگر چگونگی فهم
 قرآن اشاره کرد. برای نمونه، امام صادق علیه‌السلام در پاسخ
 به چگونگی نوشته شدن اعمال آدمی فرمودند: آیا
 عرب نیستید؟ پس چگونه معنای سخن را نمی‌فهمید
 در حالی که یکی از شما به همنشین خود می‌گوید:
 این کتاب را نسخه‌برداری می‌کنم؛ آیا این‌گونه نیست
 که از کتاب دیگری که اصل است نسخه‌برداری
 می‌کنند؟ و این سخن خداست [که می‌فرماید: ﴿إِنَّا
 كُنَّا نَشْنِئُكُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (جاثیه: ۲۹). (۱۵)

آسیب باور به عدم حجیت ظاهر قرآن کریم این
 است که موجب می‌شود، مفسر از بخش عظیمی از
 معارف قرآن کریم بی‌بهره بماند؛ زیرا بر فرض تفسیر
 تمام آیات قرآن کریم توسط ائمه اهل بیت علیهم‌السلام، تمام
 آنها به دست ما نرسیده است و بررسی تفاسیر
 روایی (۱۶) این مطلب را تأیید می‌کند. ثانیاً، پیامد
 نامطلوب دیگر این نگرش، افراط‌گری و پذیرش تمام
 روایات تفسیری است، که تحت عنوان تقدیس
 نابجای تمام روایات تفسیری آنها را بررسی خواهیم
 کرد. (۱۷)

فرستادیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی. پس خود قرآن نیز نمی پذیرد که در تفسیرش به قرآن بسنده شود.

تاریخ نیز گواه است که مسلمانان صدر اسلام به رغم برخورداری از فصاحت و بلاغت بالا و آگاهی از معانی واژگان و قرائن مربوط به آیات، در تفسیر به خود قرآن بسنده نکرده و در مواردی از فهم مقصود حقیقی آیات ناتوان می شدند و از حضرت محمد ﷺ می پرسیدند. پیامبر اکرم ﷺ نیز برایشان تفسیر می فرمودند. بنابراین، برای یافتن روش صحیح فهم و فهم صحیح تمام آیات قرآن، چاره‌ای جز این نیست که دست نیاز به ساحت قدسی پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان معصوم ایشان دراز کنیم و از آن حضرات یاری بجوییم؛ چراکه تنها ایشان به تمام حقایق قرآن آگاهند و می توانند معانی واقعی آن را بیان کنند. این مطلب از آیات و روایات متعدد استفاده می شود؛ آیاتی نظیر «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع: ۷۹-۷۷)، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) و «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد: ۴۳) که به ائمه اهل بیت ﷺ تفسیر شده است. (۲۴) نیز در روایتی آمده است: «کسی جز اوصیا (امامان معصوم) نمی تواند ادعا کند که همه معارف قرآن نزد اوست.» (۲۵) بنابراین، هیچ مفسری نمی تواند بدون بهره گیری از روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ تمام معارف به ویژه معانی باطنی قرآن کریم را فهم کند. (۲۶) به رغم اینکه حضرات معصومان ﷺ همه نور واحدند و کلامشان حجت است، ولی با این حال، در احادیث دیده می شود که

اکتفا به قرآن کریم در تفسیر، تنها به ذکر احتمال پرداخته اند؛ مانند تفسیر طبرسی در مورد «اهدنا» از سوره حمد و «الم» از سوره بقره (۲۱) و تفسیر آلوسی در مورد «الصلوة الوسطی» از آیه ۲۳۸ سوره بقره. (۲۲) برخی آسیب های قرآن بسندگی در تفسیر عبارتند از:

۱. بهره نبردن از روایات در تفسیر؛ یکی از آسیب های باور به قرآن بسندگی در تفسیر این است که مفسر از روایات بهره نمی گیرد و در مواردی ممکن است دچار اشتباه شود. مثلاً، یکی از باورمندان به قرآن بسندگی در تفسیر، بدون توجه به روایات تفسیری و بهره گرفتن از آنها، عبارت «هم را کمون» در آیه شریفه «إِنَّمَا وَكَلَّمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مانند: ۵۵) را به «در حالی که خاضع اند» ترجمه کرده و معتقد است: مراد آیه این است که دوست و یاور شما خدا و رسول و مؤمنان انفاق کننده با تواضع هستند و آیه ربطی به حکومت و زمام داری ندارد. (۲۳)

خداوند علاوه بر خواندن قرآن برای حضرت محمد ﷺ آن را تبیین فرموده است: «إِنِّي عَلَّمْتُكُمْ الْقُرْآنَ فَاتَّبِعُوا قُرْآنًا قَدِيدًا قُرْآنًا فَاتَّبِعُوا قُرْآنًا ثُمَّ إِنِّي عَلَّمْتُكُمْ بَيِّنَاتٍ» (قیامه: ۱۷-۱۹)؛ در حقیقت، گردآوری و خواندن آن بر عهده ماست. پس چون آن را خواندیم، خواندن آن را دنبال کن. سپس توضیح آن نیز بر عهده ماست. از آیه مذکور استفاده می شود که پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر الفاظ قرآن کریم، توضیح تمام آیات را نیز دریافت کرده است. در نتیجه، افزون بر تلاوت قرآن، تفسیر آن برای دیگران نیز بر عهده آن حضرت است. قرآن در این باره می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴)؛ ما این ذکر (قرآن) را بر تو فرو

دیگران، از قصص و تاریخ استفاده کرده‌اند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در جواب علت اینکه در قرآن آمده است: ﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ (نجر: ۱۰) (و فرعون صاحب میخ‌ها)، فرمودند: «به دلیل اینکه فرعون هنگام شکنجه فرد، او را به رو بر زمین می‌خواباند و با چهار میخ به زمین می‌کوبید، یا با چهار میخ دست و پاهای او را بر تخته‌ای میخ کرده، رهایش می‌کرد تا می‌مرد.»^(۳۲) اگر مفسر در فهم این آیه شریفه به این امر تاریخی آگاه نباشد و یا به آن توجه نکند، علت آمدن «ذی‌ال‌اوتاد» را دقیق نخواهد فهمید.

۳. بهره نبردن از اسباب نزول: باور به قرآن‌بستگی در تفسیر موجب می‌شود که هنگام فهم آیات، از سبب نزول که نقش بسیار مهمی در تفسیر دارد^(۳۳) غفلت شود و فهم دقیق آیات دارای سبب نزول به دست نیاید. برای نمونه، یکی از طرف‌داران دیدگاه قرآن‌بستگی تمام روایات و نقل‌های اسباب و شأن نزول غیرمفسر داشته^(۳۴) و در تفسیر آیه شریفه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكَ الْكَلْبِ﴾ (مائد: ۴) به روایات اسباب و شأن نزول آیه شریفه^(۳۵) توجه نکرده و آیه را بی‌ارتباط با مسئله غدیر خم و ولایت حضرت علی علیه السلام و مربوط به اكمال احکام دانسته است.^(۳۶)

و نیز کسی که از سبب نزول آیه شریفه ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ (بقره: ۱۵۸) (در حقیقت صفا و مروه از شعائر خداست [که یادآور اوست] پس هر که خانه [خدا] را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد) آگاهی نداشته باشد و یا به آن توجه نکند، هرگز مراد الهی را

بعضی از آن بزرگواران برای تعلیم به دیگران، در تفسیر آیه‌ای به کلام رسول گرامی صلی الله علیه و آله یا امام پیشین استناد فرموده‌اند.^(۳۷) مثلاً امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فَطَرَهُ اللَّهُ إِلَهًا قَطْرَ النَّاسِ عَلَيْنَا﴾ فرمودند: مراد «لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» است.»^(۳۸)

علامه طباطبائی که با روش فهم قرآن با قرآن، تفسیر را زنده کرده و سرآمد مفسران در این روش است، افزون بر اینکه راه فهم تفصیل احکام، داستان‌های امت‌های پیشین و معاد در قرآن را منحصر به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند،^(۳۹) در موارد متعدد از تفسیر گران سنگ المیزان از روایات استفاده کرده است؛ چون فهم آیه از خود قرآن به دست نمی‌آید. از جمله در تفسیر ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾ (بقره: ۱۲۹)، با استفاده از روایات، «رسول» را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر می‌کند.^(۴۰) و نیز در بیان مراد از ﴿الصَّلَاةِ الْوُشْطَى﴾ در آیه ۲۳۸ «بقره»،^(۴۱) در بیان مقصود از ﴿أَشْهُرُ مَغْلُومَاتٍ﴾ در آیه ۱۹۷ «بقره»،^(۴۲) در بیان مقدار بردن دست دزد و میزان مالی که به سبب آن دست دزد را می‌برند (در تفسیر آیه ۳۸ سوره «مائد»)^(۴۳) و نیز در تفسیر آیه ۱۲۵ و ۲۲۲ «بقره»،^(۴۴) و آیه ۸۰ سوره «آل عمران»^(۴۵) از روایات بهره برده است.

۲. بهره نبردن از تاریخ و قصص در تفسیر: مفسری که به قرآن‌بستگی در تفسیر معتقد باشد، در تفسیر قرآن کریم از تاریخ و قصص در فهم آیات استفاده نخواهد کرد، حال آنکه از جمله قرائن بیرونی تفسیر زمان و مکان وقایع مورد اشاره قرآن کریم است. اهل بیت علیهم السلام نیز در تفسیر برخی از آیات برای

بودن قرآن که از تحدی^(۴۲) آن به همانندآوری و ناتوانایی مخالفان به همانندآوری علی‌رغم تلاش فراوان آنها، استفاده می‌شود. آیات تحدی نفی می‌کند که حتی قرآن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد؛ زیرا این تحدی شامل خود حضرت هم می‌شود. شاهد دوم بر الهی بودن قرآن کریم این است که قرآن متفاوت از سخن بشری است؛ با آنکه طی ۲۳ سال و شرایط گوناگون نازل شده است، تضاد و اختلافی در آن نیست.^(۴۳)

عدم باور به الهی بودن محتوای قرآن کریم و یا بی‌توجهی به آنها آسیب‌های زیر را در پی دارد:

الف) پذیرش وجود خلاف واقع و یا خبر دروغ در قرآن؛ با عنایت به اینکه سخن باز نمود ویژگی‌های وجود و دانش صاحبش است، الهی بودن محتوای قرآن کریم، توجه به برخی اوصاف خداوند در تفسیر ضرورت پیدا می‌کند؛ زیرا قرآن کریم وحی خدای آگاه به همه امور و منزّه از هرگونه خلاف‌گویی و دروغ است و هیچ مطلب خلاف واقع یا خبر دروغ در قرآن کریم راه نیافته است.

کسانی با غفلت از الهی بودن قرآن کریم و یا عدم توجه به ویژگی‌های خداوند، مسائلی مانند جن، چشم زخم و سحر را که قرآن به آنها اشاره دارد، غیر واقعی شمرده و در توجیه آن گفته‌اند؛ این واژگان بر تصورات ذهنی مردم وضع شده‌اند که ممکن است واقعیت نداشته باشد^(۴۴) و یا ورود این امور غیرواقع در قرآن به علت نزول قرآن به فرهنگ مردم و یا از بساب مصلحت‌سنجی و همراهی با مردم جهت موفقیت بیشتر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^(۴۵) و یا تأثیرپذیری حضرت از اجتماع جاهلی خود بوده است.^(۴۶) حال

از آن نخواهد فهمید؛ زیرا ظاهر آیه شریفه جواز طواف بین سعی و مروه را بیان می‌کند، حال آنکه مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در سؤال از حکم سعی بین صفا و مروه فرمودند: «واجب است.» راوی گوید: پرسیدم: مگر خدای - عزوجل - نفرموده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهٖ اَنْ يَطُوفَ بِهِنَّ» حضرت فرمودند: «این [آیه] در مورد عمره قضا است؛ رسول خدا با مشرکان شرط کرده بود که هنگام سعی مسلمانان بت‌ها را از صفا و مروه بردارند. مردی به امور دیگری مشغول شد و سعی را ترک کرد تا آن روزهای معین به پایان رسید و بت‌ها را برگرداندند. برخی از مسلمانان نزد حضرت آمده، گفتند: ای پیامبر خدا، فلانی سعی بین صفا و مروه نکرده است و بت‌ها را نیز برگردانده‌اند. پس از این واقعه، خداوند - عزوجل - این آیه را فرو فرستاد. یعنی در حالی که بر آن دو کوه بت‌ها هستند، گناهی بر او نیست که بین آن دو سعی کند.»^(۴۷)

ج. عدم اعتقاد به ویژگی‌های فرازمینی قرآن

قرآن کریم ویژگی‌هایی دارد که ناباوری به آنها و یا غفلت از آنها هنگام تفسیر، فهم را با آسیب رویه‌رو می‌کند. از جمله این ویژگی‌ها، الهی بودن محتوا و ساختار، تعیین معنایی و جاودانگی قرآن است. آسیب‌های تفسیری نشأت گرفته از ناباوری یا عدم توجه به این ویژگی‌های قرآن کریم عبارتند از:

۱. آسیب «غفلت از هویت الهی محتوای قرآن»: بارزترین ویژگی قرآن کریم که آن را از کتاب‌های بشری متمایز می‌کند الهی بودن محتوای آن است. شواهد و دلایل بسیاری بر این مطلب دلالت دارد؛ از جمله معجزه

معانی لاقتضا می‌دانند.^(۴۹) لکن اگر پذیرفتیم و توجه داشتیم که قرآن سخن خداوند حکیم است و حکیم از سخن خود مقصود معینی دارد، دیگر مفهوم آیات قرآن مبهم نخواهد بود. در روایتی آمده است: «فمن زعم ان كتاب الله مبهم فقد هلك و اهلك»؛^(۵۰) کسی که گمان کند قرآن مبهم است، قطعاً هلاک خواهد شد و هلاک خواهد نمود. بنابراین، قرآن هر معنایی را بر نمی‌تابد و هر جامه‌ای بر قامت واژگان و جملات آن مناسب نمی‌آید. تفسیر ضابطه‌مند بوده و توجه به نیت الهی و در پی کشف آن بودن ضروری است. بر این اساس، تفسیری صحیح است که به مراد الهی از آیات دست یابد. در نتیجه، نمی‌توان صحت و مشروعیت فهم‌های متکثر (هرچند در عرض فهم) از قرآن را پذیرفت.

۲. آسیب «غفلت از الهی بودن واژگان و ساختار قرآن»: دلایل و شواهد دلالت دارد که واژگان ساختار قرآن نیز الهی است؛ از جمله: ۱. مقایسه قرآن با سخنان دیگر، حتی با احادیث قدسی خود حضرت محمد ﷺ؛ ۲. اعجاز لفظی قرآن کریم چون اعجاز قرآن بر عدم توانایی تمام انسان‌ها از جمله خود پیامبر ﷺ دلالت دارد؛ ۳. آیات مشتمل بر عنوان‌ها و وصف‌های قرآن مانند «قرآن»، «عربی»، «کلام الله»، «قول»، «حدیث»، «کتاب» و آیات حاوی عبارات دال بر الهی بودن لفظ قرآن مانند «تلاوت» و «صُحُف»؛^(۵۱) ۴. روایاتی که از قرآن به «کلام الله» و «قول الله» و «کتاب الله» و «حدیث الله» تعبیر کرده‌اند.^(۵۲)

عدم باور به الهی بودن ساختار قرآن کریم و یا بی‌وجهی به آن ممکن است دو آسیب مهم ذیل را در تفسیر داشته باشد:

آنکه خداوند حکیم اولاً، هیچ‌گاه قرآن را که برای هدایت مردم به راستی و درستی و نیکی‌بخشی فرو فرستاده است، بر ذهنیات و فرهنگ غلط مردم جاهلی مبتنی نمی‌کند؛ ثانیاً، در قرآن مصلحت‌اندیشی منجر به بیان خلاف واقع نخواهد داشت؛ ثالثاً، قرآن را در تعامل پیامبر با مردم جاهلی و متأثر از آنها شکل نمی‌دهد.

اگر مفسر بر الهی بودن قرآن باور نداشته باشد و یا هنگام تفسیر بدان توجه نکند، در فهم برخی آیات نیز دچار مشکل می‌شود. مثلاً، قرآن در وصف مسجد الحرام می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۷) مدلول ظاهری آیه این است که هر کس وارد مسجد الحرام شود از هر شری در امان خواهد بود؛ ولی چنان‌که امام صادق علیه السلام در توییح ابوحنیفه فرمودند؛^(۵۳) چنین نبوده و عبدالله بن زبیر و سعید بن جبیر در آنجا کشته شدند. چون آیه شریفه سخن خداست و دورخ نمی‌باشد، پس معنای ظاهری مراد نیست و مراد آیه شریفه امن تشریحی است؛ یعنی بر حرمت تعرض به پناه‌برنده به کعبه دلالت دارد و یا مراد این است که اگر کسی با تمام شرایط وارد کعبه شود و اعمال آن را کامل انجام دهد، در آخرت از عذاب الهی در امان خواهد بود.^(۵۴)

ب) پذیرش تکثر فهم از قرآن: باور نداشتن به الهی بودن محتوای قرآن یا عدم توجه به آن، زمینه را برای پذیرش عدم تعین معنای آیات و در نتیجه قبول نظریه تکثر فهم از قرآن را فراهم می‌سازد که طبق آن، چند فهم صحیح و در عرض هم از قرآن صحیح خواهد بود. کسانی که مدعی مشروعیت تمام فهم‌ها از قرآن هستند، متن قرآن را تسببت به بسیاری از

الف) مقدم داشتن قواعد ادبی بر عبارت قرآن: الهی ندانستن ساختار قرآن و یا توجه نداشتن به آن، هنگام تفسیر، موجب می‌شود که در صورت ناسازگاری برخی از قواعد ادبی با عبارت آیات، آن قاعده مقدم شود و آیه به نحوی دیگر تأویل گردد؛ زیرا تقدم یک قاعده مورد پذیرفته ادیبان بر عبارت بشری امر طبیعی است. اما با ایمان و توجه به الهی بودن واژگان و ساختار قرآن، عبارت قرآن معیار قواعد ادبی عربی خواهد بود و در صورت تعارض، قاعده ادبی را غلط یا دستکم ضعیف خواهیم شمرد.

ب) عدم نکته‌سنجی در تفسیر تعابیر و کلمات قرآن: توجه به حروف و هیئت کلمه‌ها و جایگاه آنها در جمله، در فهم معنای متن نقش اساسی دارد. وقتی ثابت شد واژگان و ساختار قرآن الهی است، نکته‌سنجی و تیزبینی در فهم آن ضرورت بیشتری خواهد داشت؛ زیرا سخن خدای آگاه به همه ظرافت‌ها و اسرار، با سخن انسان محدود، بسیار متفاوت است. بر این اساس، امام باقر علیه السلام از آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مانده: ۶) با استفاده از حرف «باء» در ﴿بِرُءُوسِكُمْ﴾ و عطف ﴿أَرْجُلَكُمْ﴾ به آن، فرمودند: «باید مسح به قسمتی از سر پا باشد» (۵۹)

اما مفسری که چنین باوری ندارد و یا به آن بی‌توجه است، خود را ملزم به این‌گونه دقت‌ها نمی‌داند و یا در عمل تفسیر چنین دقت‌هایی را نخواهد داشت.

د. مصون ندانستن قرآن از تحریف

از جمله ویژگی‌های قرآن که در فهم آن مؤثر است و

به عنوان یکی از میانی تفسیر به شمار می‌آید، سلامت قرآن از تحریف لفظی است. دلایل و شواهدی بر این مطلب دلالت دارد و تمام عالمان دقیق‌النظر، قرآن کریم را سالم از هر تحریفی دانسته‌اند. (۶۰) دلایل سلامت قرآن به اجمال عبارت است از:

۱. دلیل عقلی که ثابت می‌کند چون قرآن برای هدایت انسان‌ها و آخرین کتاب الهی است، اگر تحریف شود مستلزم گمراهی مردم است و مردم بدون تقصیر گمراه خواهند شد که این، با هدف بعثت و حکمت الهی منافات دارد.

۲. طبق گواهی تاریخ، قرآن همواره بین مسلمانان نوشته و حفظ می‌شده و نسل به نسل قرائت شده تا به دست ما رسیده است. (۶۱)

۳. آیات تحدی. البته آیات تحدی تحریف به زیاده یک سوره را نفی می‌کند؛ چون اگر سوره‌ای به قرآن اضافه شده بود، می‌بایست بتوان سوره‌ای مانند آن آورد. به علاوه، آیات تحدی تغییر و تبدیلی را که نظم ظاهری یا محتوایی قرآن نازل شده را به گونه‌ای تغییر دهد که تفاوت نظم موجود با نظم اعجاز‌آمیز برای اهل فن روشن باشد نفی می‌کند.

۴. آیه دال بر وعده حفظ قرآن از سوی خدا ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹)

۵. آیه دال بر عدم ورود باطل در قرآن: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (نصلت: ۴۱ و ۴۲)

باور ندانستن و یا توجه نکردن به سلامت قرآن از تحریف، افزون بر اینکه طبق ادعای برخی موجب

آیات متشابه را می‌دانند. حتی علامه طباطبائی - با آنکه «او» در «و الراسخون فی العلم» را مستأنفه می‌گیرد، نه عاطفه - می‌پذیرد کسانی غیر از خداوند نیز تأویل و معنای آیات متشابه را می‌دانند. (۶۵) از امام صادق علیه السلام هم نقل شده است: «المتشابهة ما اشبهت علی جاهله». (۶۶) بنابراین، آیات متشابه قایل فهم هستند. چنان‌که آیه بالا دلالت دارد، آیات محکم مرجع آیات متشابه بوده و باید آنها را به آیات محکم ارجاع داد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (۶۷) اما اگر کسی نتواند آیات متشابه را از آیات محکم تشخیص دهد و آیات متشابه را به آیات محکم ارجاع ندهد - چنان‌که روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز هشدار داده‌اند - تفسیرش دچار آسیب خواهد بود؛ و از معانی متعددی که آیات متشابه دارد، نمی‌تواند مراد الهی را تشخیص دهد. نیز نمی‌تواند با ارجاع برخی آیات متشابه - که مراد الهی از آنها خلاف معنای ظاهر است - به آیات محکم، فهم روشنی از آنها داشته باشد.

امام صادق علیه السلام در احتجاج خود با صوفیان، مسئله محکم و متشابه را مطرح نموده، آنان را سرزنش می‌کنند که چرا بدون علم به چنین ویژگی‌هایی از قرآن، می‌خواهند آن را تفسیر نمایند. (۶۸)

برای نمونه، آیه «وَجُودَ يُؤْمِنُ تَأْوِيلُهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت: ۲۲ و ۲۳) متشابه است و با ارجاع آن به آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۲) معلوم می‌شود. چنان‌که حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند، مراد از «إِلَى زَيْهَا نَاطِرَةٌ» توجه آنها به خداست که

اعتقاد به عدم حجیت ظواهر قرآن کریم شده است، (۶۲) دو گونه آسیب تفسیری زیرا را نیز در پی دارد:

۱. عدم بهره‌گیری از سیاق جملات و آیات؛ زیرا احتمال می‌رود بخشی از قرآن حذف و یا بخشی به آن اضافه شده است که اگر چنین نمی‌بود، سیاقی غیر از این وجود داشت. برای نمونه، در آیه شریفه «وَإِنْ يَخْتَفُوا لَآ تَسْطُرُوا فِي الْأَيْتَامِ فَاذْكُرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ الشَّاءِ مَتَى وَثَلَاثَ وَزُبَاع...» (نساء: ۳) «فَاذْكُرُوا» جزای «وَإِنْ يَخْتَفُوا» است. اما کسانی که معتقدند آیاتی از قرآن کریم حذف شده است نمی‌توانند این دو را شرط و جزا بگیرند.

۲. عدم بهره‌گیری از آیات سوره‌های دیگر به عنوان قرینه لفظی منفصل در تفسیر قرآن کریم؛ چون احتمال می‌رود آن آیات بر قرآن کریم افزوده شده باشد.

هـ. آسیب عدم توجه به اقسام آیات

آیات و روایات دلالت دارد که قرآن کریم اقسام متفاوتی از آیات را دارد؛ برخی محکم، بعضی متشابه، برخی ناسخ و بعضی منسوخ‌اند. غفلت از این مسئله آسیب‌زاست و فهم برخی از آیات را ناممکن و یا مشکل می‌سازد. در ذیل این آسیب‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱. بهره نرفتن از آیات محکم در تفسیر آیات متشابه: قرآن خود را دارای آیات محکم و متشابه معرفی می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ». (آل عمران: ۷) از روایات (۶۴) استفاده می‌شود که غیر از خداوند کسان دیگری نیز (که راسخان در علم هستند) معنای

آگاه نباشد، این دو آیه را در تناقض هم خواهد دید و تفسیر ناصحیح ارائه خواهد کرد و به وجوب یا حداقل به مستحب بودن نگهداری زن شوهر مرده به مدت یک سال توسط فرزندان شوهرش فتوا خواهد داد. ۳. عدم توجه قیدها و مخصص‌های آیات عام و مطلق: چون قرآن به تدریج وحی شده، در مواردی قیدها و مخصص‌ها جدای از عام‌ها و مطلق‌ها آمده است. از این رو، باید هنگام فهم، از وجود یا عدم قید یا مخصصی در آیه‌های دیگر که مربوط به موضوع مورد بحث آیه است با خبر شد و آن را در فهم آیه دخالت داد. در غیر این صورت، فهم دچار آسیب خواهد شد. به علاوه، گاهی قیدی در خارج از قرآن در بیان معلمان قرآن، یعنی پیامبر و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام آمده که باید مورد توجه قرار گیرد و بر اساس آن، آیه تفسیر شود. برای نمونه، در برخی آیات، (۷۵) از جمله آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ» (بقره: ۱۷۳) خوردن خون به طور مطلق حرام شمرده شده است، ولی در آیه ۱۴۵ «انعام» «أَوْ ذَمًّا مَشْهُوْحًا» آمده که قید «ریخته شده» را دارد. از این رو، معلوم می‌شود که حرمت خوردن در چند آیه مربوط به خونی است که پس از سر بریدن از بدن حیوان خارج می‌شود و خونی که پس از سر بریدن حیوان در رگ‌ها باقی می‌ماند حرام نمی‌باشد. در صورتی مفسر می‌تواند این حکم واقعی را بفهمد که قیدها را در نظر بگیرد.

۲. موانع و آسیب‌های گرایشی (روان‌شناختی) مقصود از موانع و آسیب‌های گرایشی آن دسته از موانع است که از حالت‌های روانی مفسر سرچشمه می‌گیرد. در ذیل، به این موانع و آسیب‌ها اشاره می‌شود:

چگونه به آنها ثواب می‌دهد. (۶۹) اما کسی که این‌گونه آیات را متشابه نمی‌داند، بدون بهره گرفتن از آیات محکم، آنها را طبق ظاهر تفسیر خواهد کرد.

۲. عدم توجه به به آیات ناسخ در فهم آیات منسوخ: از جمله ویژگی‌های قرآن کریم این است که برخی آیات آن ناسخ بعضی دیگرند؛ (۷۰) یعنی احکام برخی از آیات قرآن کریم طبق حکمت الهی دارای امدی است که با نزول برخی آیات پایان می‌یابد. (۷۱) خود قرآن و روایت بر این ویژگی قرآن کریم اشاره دارند؛ مانند: «مَا تَنسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسِيهَا تَأْتِ بِخَيْرٍ مِّثْلَهَا.» (بقره: ۱۰۶) امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «نزل القرآن ناسخاً و منسوخاً.» (۷۲)

ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان و دانشمندان علوم قرآنی تصریح دارند که بدون آگاهی از ناسخ و منسوخ قرآن نمی‌توان فهم صحیحی از قرآن کریم داشت و غفلت از وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن مانع جدی فهم آیات الهی است. حضرت علی علیه‌السلام در برخورد با یک قاضی به وی فرمودند: آیا ناسخ را از منسوخ تشخیص می‌دهی؟ گفت: نه. حضرت فرمودند: «هلکت و اهلکت»؛ (۷۳) تباه شده‌ای و تباه کرده‌ای.

طبق روایت امام صادق علیه‌السلام، آیه «وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَصِيَّةً لِّأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعاً إِلَى الْخَوَلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ...» (بقره: ۲۴۰) با آیه «ارث» «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَرْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أُوْدِيْنَهُنَّ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّلُثُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصَّوْنَ بِهَا أُوْدِيْنَهُنَّ» (نساء: ۱۲) نسخ شده است. (۷۴) اگر مفسر به این مسئله

نداد. (۷۹) و این کار بر خلاف دیدگاه برخی که آن را نادرست^(۸۰) و ناممکن می‌شمارند،^(۸۱) درست و ممکن است. یکی از معانی یا مصادیق تفسیر به رأی، پیش‌داوری و تحمیل رأی به قرآن است که روایات از آن نهی کرده است. اگر رهایی از آن ممکن نبود، معصوم از آن نهی نمی‌کرد.

دو امر باعث تحمیل تمایلات شخصی و گروهی بر قرآن، و آسیب برخی تفاسیر شده است: یکی اینکه قرآن کریم به فرموده امام علی علیه السلام و جوه مختلف دارد و قایل حمل بر دیدگاه‌های گوناگون می‌باشد.^(۸۲) دیگر اینکه به دلیل اعتبار و عظمت قرآن نزد مسلمانان، هر گروهی سعی دارد نظر خود را مطابق دیدگاه قرآن جلوه دهد.

شاید بتوان گفت: خوارج اولین فرقه‌ای بودند که نظر خود را بر قرآن تحمیل کردند. آنان بر این عقیده بودند که انسان، یا کافر است و یا مؤمن، و انسان فاسق کافر می‌باشد. از جمله گروه‌هایی که دیدگاه‌های شخصی و یا گروهی مسلک خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند برخی متکلمان هستند.^(۸۳) در تفاسیر کلامی، موارد بسیاری از تحمیل دیدگاه گروهی بر قرآن کریم یافت می‌شود. برای مثال، آلوسی «مقام محمود» در آیه ۷۹ سوره «اسراء» را به اینکه خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در عرش نزد خود می‌نشاند، تفسیر کرده است.^(۸۴) یکی دیگر از تفاسیری که از آفت تعصب در امان نمانده، تفسیر الجامع لاحکام القرآن قسطنطینی است. وی با تعصب فراوان بدون هیچ دلیل و شاهدی، در تفسیر آیه شریفه ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ

الف. استبداد به رأی و خودمحوری

از آسیب‌های دیگر فهم قرآن این است که مفسر به واسطه خودمحوری و خودبزرگبینی، از مراجعه و بهره‌مندی از احادیث پیشوایان معصوم و اقوال پیشینیان و سایر مراجع تفسیری خود را بی‌نیاز می‌بیند و به آنها توجه نمی‌کند. این امر نشان از جهل بوده و مانع از رسیدن به فهم واقعی قرآن کریم خواهد بود. روایات نیز استبداد به رأی را مذمت می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وکفی بالمرء جهلاً إذا أعجب برأيه»^(۷۶) در نادان بودن انسان همین بس که در رأی خودپسند باشد. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «وقد خاطر من استغنی برأيه»^(۷۷) کسی که به رأی خود پسند کند به خطر خواهد افتاد.

علامه طباطبائی مراد از تفسیر به رأی را اعتماد مفسر به خود و مراجعه نکردن به کتاب و سنت می‌داند.^(۷۸)

ب. دخالت دادن پیش‌داوری و تمایلات و تعصبات شخصی و گروهی

هدف تفسیر، کشف مراد الهی از آیات قرآن کریم است و مفسر با کسب شرایط لازم و استفاده از تمام قرائن باید قرآن کریم را به بیان درآورد. آن‌گونه که یک دانشجو باید از دانشمند کسب فیض کند، باید از قرآن سؤال کرد و جواب را شنید و از خود چیزی بر آن نیفزود و پیش‌داوری نکرد که این کار خارج از مدار صحیح فهم می‌باشد. با عنایت به اینکه نمی‌توان ذهن را از دانسته‌ها خالی کرد، مراد از خالی‌الذهن بودن در تفسیر نیز به همین معناست؛ یعنی باید سعی کرد ذهنیت خود را در تفسیر دخالت

عَسَقِيْتَهُ قَلْبًا ﴿ (آل عمران: ۱۴۴) می گوید: این آیه آشکارترین دلیل بر شجاعت و جرئت ابوبکر است؛ چراکه در مصیبت بی مانند رحلت نبی - صلی الله علیه و سلم - که برخی از جمله عمر می گفتند: ایشان نمرده است. ... ابوبکر آمد و چهره آن حضرت را گشود و میان دو چشمانش را بوسید. (۸۵)

پرسش این است که بر فرض صحت این داستان، آیه شریفه چه دلالتی بر آن دارد؟ این گونه تفسیر قرطبی را با تفسیر آیات مربوط به حضرت علی علیه السلام باید مقایسه کرد. قرطبی دلالت آیات قرآن بر منزلت علی علیه السلام را بر نمی تابد. وی در تفسیر آیاتی که طبق منابع متعدد تاریخی و روایی معتبر، در مدح آن حضرت و خاندان اوست، با ردیف کردن اقوال گوناگون، سعی دارد دلالت آن آیات بر عظمت ایشان را کم رنگ کند. برای نمونه، در ذیل آیه شریفه ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (رعد: ۴۳)، بعد از نقل تصریح امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن حنفیه مبنی بر اینکه مصداق این آیه علی علیه السلام است، از این عربی نقل می کند که این سخن بر دو امر مبتنی است: یکی اینکه در باور آن دو باید علی اعلم مؤمنان باشد، ولی چنین نیست. دیگر اینکه باید روایت «انا مدينة العلم و علی بابها» درست باشد و حال آنکه چنین نیست.

قرطبی در تفسیر این آیه شریفه گرچه یاد می کند که این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است، لکن از ابن عباس نیز می آورد که آیه درباره ابوبکر می باشد و در نهایت، از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آیه شامل تمام مؤمنان می شود و حضرت علی علیه السلام

یکی از آنهاست. (۸۶) این در حالی است که در روایات بسیار، امام باقر علیه السلام تنها مصداق این آیه را حضرت علی علیه السلام معرفی می فرماید. (۸۷) روایات متعدد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز نقل های بسیار از صحابه پیامبر، از جمله سه خلیفه نخست، حاکی از عظمت شگفتی های چهره تابناک علی علیه السلام و برتری وی به تمام صحابه است. (۸۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اعلم امتی من بعدی علی بن ابیطالب»؛ (۸۹) داناترین امتم بعد از من علی فرزند ابیطالب است.

قرطبی در تفسیر آیه «اکمال» تعصب را به نهایت رسانده و به رغم دلالت نقل های معتبر بر نزول آن در روز غدیر و ارتباط آن با ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به مردم، (۹۰) با بیان اقوالی، نزول آن در روز عرفه را می پذیرد. (۹۱) وی همین تعصب را در تفسیر آیه «ابلاغ» نیز نشان می دهد، (۹۲) و در تفسیر آیه «مباهله» هیچ اشاره ای به حضور حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نمی کند. (۹۳) او ذیل سوره «کوثر» با بیان سیزده قول در مصداق کوثر، اشاره ای به حضرت زهرا علیها السلام ندارد، (۹۴) حال آنکه محققان بسیاری از اهل سنت نیز می پذیرند که آن حضرت مصداق کوثر است. (۹۵)

گروه دیگری که قرآن را طبق تمایلات خود تفسیر کرده اند، مادی گرایان می باشند. تفسیر مادی گرایانه بدون پشتوانه علمی می باشد. مثلاً، در آیه ﴿الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْغَيْبِ وَيُؤْتُونَ الصَّلَاةَ وَوَعْدًا رَبِّهِمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۳)، مراد از «الغیب» را همان مراحل نخستین رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی و مراد از «اقامه صلاة» را پیوستگی بین عناصر انقلاب دانسته اند. (۹۶)

اسلام آوردند و به علت وجود زمینه‌هایی، به رغم نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مراجعه به اهل کتاب، توانستند فریبکارانه خود را به عنوان مرجع تفسیری برخی از مسلمانان مانند ابوهریره قرار دهند. همچنین عواملی مانند حذف اسناد روایات تفسیری، ممنوعیت نگارش احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و میدان دادن دستگاه خلافت به افسانه، موجب شد کسانی از صحابه و تابعین ناآگاهانه آن اخبار را در تفسیر قرآن به ویژه در تفسیر آیات قصص منع قرار دهند. در حالی که قرآن کریم ^(۱۰۲) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام دشمنی اهل کتاب را گوشزد می‌کردند و مردم را از مراجعه به آنان بازمی‌داشتند. به دلیل اینکه شیعیان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، از راهنمایی‌های ائمه‌امان معصوم علیهم السلام بهره بردند، در کتاب‌های تفسیری شیعه نسبت به کتاب‌های تفسیری اهل سنت کمتر اسرائیلیات دیده می‌شود.

نمونه آسیب تقدیس روایات تفسیری این است که در تفسیر آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُتِلْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْلِبُوا وَجُوهَكُمْ وَأَيُّكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْتَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكُفَّةَيْنِ...﴾ (مانند: ۶)، سیوطی با اعتماد به روایات، سه قول مطرح می‌کند: ۱. مسح پا؛ ۲. شست و شوی پا؛ ۳. مسح پا طبق آیه قرآن و شست و شوی آن بر اساس سنت و خود وی قول سوم را می‌پذیرد، ^(۱۰۳) در صورتی که قول سوم نتیجه عمل به روایت متعارض با قرآن است که برخلاف روایات عرض و غیر قابل قبول می‌باشد. ^(۱۰۴)

د. تقدیس و تقلید نابجای آرای پیشینیان
گرچه بیان شد که خودمحوری در تفسیر درست

ج. تقدیس نابجای تمام روایات تفسیری

یکی از موانع فهم دقیق و کامل قرآن کریم، رویکرد افراطی به روایات تفسیری و تقدیس نابجای تمام آنهاست که موجب پیامدهای ناپسندی در تفسیر شده و می‌شود؛ از جمله نرسیدن به ژرفای معارف قرآن و دور شدن از مقاصد و هدایت همه‌جانبه آن. برخی از صاحبان این ایده، نه تنها در فهم قرآن فقط به روایات تفسیری بسنده می‌کنند، ^(۹۷) بلکه در گزینش و گزارش روایات به سندشناسی، متن‌شناسی و زبان‌شناسی توجه لازم را ندارد. برخی نیز روایات مربوط به ضرورت عرضه روایت بر قرآن را مجعول می‌شمارند. ^(۹۸) حال آنکه وجود احادیث ساختگی بسیار در میان روایات تفسیری مانع از این است که بتوان بدون بررسی به تمام این روایات اعتماد نمود. مهم‌ترین عوامل ورود روایات ساختگی در میان روایات تفسیری عبارتند از:

۱. تعصب مذهبی؛ مانند آنچه خوارج انجام دادند.
۲. اقدامات سیاسی؛ مانند آنچه بنی عباس درباره دانش تفسیری ابن عباس در مقابل حضرت علی علیه السلام درست کردند.
۳. دشمنی مخالفان اسلام مانند یهود و نصارا که در مقابله با اسلام از طریق جنگ و برهان ناتوان مانده بودند. روایاتی که از طریق اهل کتاب جعل شده، به «اسرائیلیات» ^(۹۹) مشهور است. بیشتر اسرائیلیات مشکوک‌الصدق و یا دروغ می‌باشند؛ مانند اینکه فرزندی که حضرت ابراهیم علیه السلام مأمور به ذبح آن شد اسحاق بود نه اسماعیل. ^(۱۰۰)

در اثر ارتباط اهل کتاب با مسلمانان، گروهی از دانشمندان اهل کتاب مانند کعب الاحبار ^(۱۰۱) به ظاهر

آزاد و مستقیم مقاصد قرآن را درک کنند. در مقابل، برخی از مفسران بر این باورند که علم الموهبه غیراکتسابی است و اگر هم اکتسابی باشد، تنها در فهم اسرار آیات قرآن کریم ضروری است نه فهم معانی و مراد الهی از آیات. (۱۱۱)

گرچه تقوا به یقین در فهم قرآن کریم اثر مثبت، و بی تقوایی اثر منفی دارد، لکن باید در این مسئله به مراتب فهم قرآن توجه داشت که عبارتند از: ۱. فهم معانی و مراد آیات با قرائن عقلی و نقلی؛ ۲. دریافت هدایت قرآن کریم و رسیدن به ایمان راستین و کامل از طریق آن؛ ۳. فهم کامل قرآن، اعم از ظاهر و باطن که ویژه معصوم علیه السلام است. به نظر می‌رسد که فقط برای رسیدن به مرتبه دوم (۱۱۲) و سوم از فهم قرآن کریم، تقوا شرط است و نداشتن آن مانع می‌باشد؛ اما برای رسیدن به معانی آیات قرآن و فهم مرتبه اول چنین شرطی ضرورت ندارد. به علاوه، شرط تقوا در فهم ابتدایی قرآن با هادی بودن قرآن برای تمام انسان‌ها، منافات دارد؛ زیرا با چنین شرطی غیرمؤمنان نخواهند توانست با مراجعه به قرآن، معارف آن را بفهمند و با پذیرش اسلام به رستگاری برسند. حال آنکه قرآن آنها را به اسلام و خود، دعوت می‌کند و خود را مایه پند و اندرز برای همه مردم معرفی می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبِقَاءَ لِمَا فِي التُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یسرنس: ۵۷) علاوه بر هادی بودن، مبارزه طلبی و تحدی قرآن نیز، با این شرط منافات دارد؛ زیرا در صورتی دعوت به همانندآوری صحیح است که منکران قرآن بتوانند آن را بفهمند.

البته زمانی که بی تقوایی به صورت غرض‌ورزی و

نیست و باید به آرای پیشینیان نیز مراجعه کرد، ولی نباید آرای پیشینیان را مقدس شمرد و از آن تقلید کرد و تصور نمود که ایشان تمام سخن را گفته‌اند و کسی را توان فهم بیش از فهم آنان نیست. چنین تصویری باعث بسنده کردن به آرای پیشینیان و پذیرش آرای نایبجای آنان بدون دقت و تحقیق می‌شود که مورد مذمت قرآن کریم است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَلُوا بِلِ تَشِيْعٍ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۷۰)؛ (۱۰۵) و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید؛ می‌گویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هرچند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند؟] تقلید کورکورانه از پیشینیان افزون بر اینکه برخلاف آزاداندیشی عقلی است که قرآن به آن دعوت می‌کند، (۱۰۶) تفسیر را نیز دچار آسیب خواهد کرد.

۳. آسیب‌های اخلاقی

بعضی دانشمندان علوم قرآنی یکی از علوم موردنیاز مفسر را «علم الموهبه» دانسته‌اند (۱۰۷) که حاصل تقواست. قرآن کریم نتیجه تقوا را آگاهی، (۱۰۸) نور (۱۰۹) و داشتن وسیله تشخیص (۱۱۰) می‌داند. بر این اساس، بی تقوایی و ارتکاب گناه از موانع فهم قرآن کریم شمرده شده است. قرآن هرگز معارف خود را به دلی که خالی از نور ایمان باشد و عقلی که به کجروی‌های شرک و بی‌ایمانی و آثار آن آلوده گشته است، نشان نمی‌دهد؛ زیرا چنین دلی از کجروی و فساد در آراء در امان نبوده و نمی‌تواند بدون دخالت دیدگاه خود،

..... پی‌نوشت‌ها

- ۱- نزد طرف‌داران سنی این‌دیگه، روایت شامل روایات پیامبر ﷺ و صحابه و تابعان می‌شود و طرف‌داران شیعه آن، تنها روایت پیامبر ﷺ و اسامان معصوم را در تفسیر حجّت می‌شمارند.
- ۲- محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱ / ۴ راغب اصفهانی، مقدّمه جامع التفسیر، ص ۹۳.
- ۳- محمد امین استرآبادی، الفوائد المدنیة، ص ۴۷.
- ۴- یوسف بن احمد الحرانی، الدرر النجفیة، ص ۱۶۹. البته برخی عالمان علوم قرآنی معتقدند که کسی از اخباریان به عدم حجّیت ظواهر قرآن کریم رأی نداده است. (محمّد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۱، ص ۹۶۸۸).
- ۵- ﴿هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ شَبِيهُ﴾ (نحل: ۱۰۳) و نیز ر.ک: شعراء: ۱۹۵.
- ۶- ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۳۸).
- ۷- ﴿وَلَيْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ (شعراء: ۲) و نیز، ر.ک: نور، ۳۴.
- ۸- ﴿فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ﴾ (انعام: ۱۵۷).
- ۹- ﴿وَنُزِّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۸۹).
- ۱۰- ﴿فَأَمَّا الْيَهُودُ وَالنَّسَارَىٰ فَأَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِئَلَّا يُكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِيَذَّكَّرُوا أَلَّا يُآبَا﴾ (ص: ۲۹).
- ۱۱- محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، مادة «بان».
- ۱۲- ﴿يَتَّبِعُ آيَاتِنَا إِنَّكَ مَبْرُورٌ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَّا تُؤْمِنُوا بِاللَّحَابِ﴾ (ص: ۲۹).
- ۱۳- مانند: بقره: ۲۳ و ۲۴؛ یونس: ۳۸؛ هود: ۱۳. در این باره، ر.ک: محمد تقی مصباح، قرآن‌شناسی، تحقیق محمود رجیبی، ج ۱، ص ۱۰۹ به بعد.
- ۱۴- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «كل شيء مردود الى كتاب الله و السنة و كل حديث لا يوافق كتاب الله فهو زخرف». (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۲).
- ۱۵- عبدعلی جمعه حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۶.
- ۱۶- مانند، الدر المنثور، البرهان فی تفسیر القرآن و نور الثقلین که روایات تفسیری را از کتاب‌های دیگر جمع‌آوری کرده‌اند.
- ۱۷- در این باره، ر.ک: محمّد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۲۷-۳۱۲.
- ۱۸- در این باره، ر.ک: مصطفی کریمی، «روش تفسیری مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام»، معرفت، ش ۷۱، ص ۱۰-۲۶.
- ۱۹- ر.ک: سیدابولفضل برقی، تائیس از قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۵ و ۲۱ / محمد صادقی، «گفت‌وگو با استاد دکتر محمد صادقی»،

دشمنی با قرآن کریم جلوه کند، موجب کژفهمی خواهد شد؛ زیرا کسی که در پی دشمنی و حیل‌گری با قرآن و اسلام است، همیشه در این فکر است که از قرآن، حربه‌ای علیه اسلام و خود قرآن بیابد. مانند فهم برخی از خاورشناسان که با فهم یک متفکر مسلمان ناب متفاوت است. (۱۱۳) قرآن کریم از این‌گونه افراد به «بیماردلان» یاد می‌کند که در پی آیات متشابه‌اند: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ (آل عمران: ۷)

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، حاصل آمد که موانع غیر معرفتی عبارتند از:

۱. ناباوری به حجّیت ظواهر قرآن کریم؛
۲. اعتقاد به خودپسندگی قرآن در تفسیر؛
۳. ناباوری یا غفلت از ویژگی‌های فرازمینی قرآن مانند الهی بودن محتوای آن؛
۴. مصون ندانستن قرآن از تحریف؛
۵. عدم توجه به اقسام آیات؛
۶. استبداد به رأی و خودمحوری؛
۷. دخالت دادن پیش‌داوری و تمایلات و تعصبات شخصی و گروهی؛
۸. تقدیس نابجای تمام روایات تفسیری؛
۹. تقدیس و تقلید نابجای آرای پیشینیان؛
۱۰. آسیب‌های اخلاقی.

- ۴۰-ر.ک: یوسف شعاره، تفسیر آیات مشکله، ص ۱۳۵-۱۳۸.
- ۴۱- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۵، روایت ۸ در این باره همچنین، ر.ک: عبدعلی جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۷، ص ۲۳۸؛ ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۷۲۹.
- ۴۲- آیات تحدی بسیار است از جمله ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا...﴾ (بقره: ۲۳ و ۲۴).
- ۴۳- قرآن خود می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ عِنْدِ خَيْرِ اللَّهِ يُوجِدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۲).
- ۴۴- ر.ک: نصر حامد ابوزید، «تاریخ‌مندی، مفهوم پوشیده و مبهم»، ترجمه و تحقیق محمدتقی کرمی، نقد و نظر، ش ۱۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.
- ۴۵- بهاء‌الدین خرمشاهی، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن»، نینتات، ش ۵، ص ۷۹۲ / هدايات الله جلیلی، «قرآن در همزبانی با بشر»، کیان، ش ۲۳، ص ۲۳-۴۰.
- ۴۶- ر.ک: عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۰ و ۲۴.
- ۴۷- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۷.
- ۴۸- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ح ۲-۱، ص ۷۹۸-۷۹۷.
- ۴۹- عبدالکریم سروش، «مصاحبه در باب پلورالیزم دینی»، کیان، ش ۴۰، ص ۱۷.
- ۵۰- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۰، روایت ۳۴، ب ۸.
- ۵۱- یوسف: ۲ / رعد: ۳۷.
- ۵۲- رعد: ۲۷ / شعراء: ۱۹۳-۱۹۵.
- ۵۳- توبه: ۶.
- ۵۴- مزمل: ۵.
- ۵۵- کهف: ۶ / طور: ۳۴ / واقعه: ۸۱ / قلم: ۲۴ / زمر: ۲۳.
- ۵۶- آل‌عمران: ۷.
- ۵۷- یسین: ۲.
- ۵۸- ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۶.
- ۵۹- محمدبن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۳۰، باب «مسح الرأس والتدبیر».
- ۶۰- ر.ک: محمدبن جعفر طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۳ / فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۵ و ۳۱۲-۳۱۱ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰۴-۱۳۳ / سیدابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیرالقرآن، ص ۲۱۶-۲۷۵ /
- پژوهش‌های قرآنی، ش ۹، ص ۲۸۷ / یوسف شعاره، تفسیر آیات مشکله، ص ۸.
- ۲۰- درباره این مکاتب تفسیری و نقد آن، ر.ک: علی‌اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۲۷-۲۰۰.
- ۲۱- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۲۷، ۲۸، ۳۲ و ۳۳.
- ۲۲- محمد آکرمی، روح‌المعانی، ج ۲، ص ۵۶.
- ۲۳- ر.ک: سیدابولفضل برقی، تاپشی از قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۶۴.
- ۲۴- سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، ص ۳۰۲.
- ۲۵- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.
- ۲۶- ﴿وَمَا يَدْعَلُمْ تَأْوِيلُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاٰسِحُوْنَ فِي الْعِلْمِ﴾ (آل‌عمران: ۷) این آیه دلالت دارد که تأویل قرآن را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند. این مطلب در روایات متعددی آمده است. از جمله از صادقین علیهم‌السلام نقل شده است: رسول خدا بالاترین ریشه‌داران در علم است. خداوند همه آنچه فرستاده از تأویل و تنزیل، به او تعلیم داده است. خداوند چیزی را که علم تأویل آن را به پیامبر نیاموخته باشد، بر وی فرود نیاورده است و همه آن را اوصیای پس از او می‌دانند. (محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، کتاب حجت، باب «ان الراسحون فی العلم هم الانتم علیهم‌السلام»، حدیث ۳).
- ۲۷- عبدعلی جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۲۲، ح ۲۰؛ ج ۴، ص ۱۸۳، ح ۵۹.
- ۲۸- همان، ج ۵، ص ۵۷۱، ح ۶.
- ۲۹- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۸۴.
- ۳۰- همان، ج ۱، ص ۲۲۶.
- ۳۱- همان، ج ۲، ص ۲۴۶.
- ۳۲- همان، ج ۲، ص ۷۸.
- ۳۳- همان، ج ۵، ص ۲۹۱.
- ۳۴- همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ج ۲، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.
- ۳۵- همان، ج ۳، ص ۲۷۸-۲۷۹.
- ۳۶- عبدعلی جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۷۱، ح ۶.
- ۳۷- انتم اهل بیت علیهم‌السلام تیز در تفسیر از اسباب نزول استفاده می‌فرمودند. در این باره، ر.ک: عبدعلی جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۲۲، ح ۲۰.
- ۳۸- یوسف شعاره، تفسیر آیات مشکله، مقدمه، ص بیست و سه.
- ۳۹- درباره شأن نزول آیه، ر.ک: عبدالحسین احمد الامینی، القندی، ج ۲.

- ۷۹- عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۹۱.
- ۸۰- رک: عبدالکریم سروش، قبض و بسط، تنوریک شریعت، ص ۳۰۲-۳۰۱.
- ۸۱- همان، ص ۲۲۶.
- ۸۲- نهج البلاغه، ن ۷۰.
- ۸۳- برای نمونه، رک: محمودین عمر زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۱۰۵، ۳۱۹ و ۵۲۸؛ ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۰ / محمدین عمرین‌الحسین رازی شافعی، التفسیر الکبیر او مقاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۱۶۱.
- ۸۴- محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۲۱.
- ۸۵- محمدین احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۲۲۲.
- ۸۶- همان، ج ۶، ص ۲۲۱.
- ۸۷- عبدعلی جمعه حویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۶۴۳.
- ۸۸- مکرر اتفاق افتاد که ابوبکر، عمر و عثمان و دیگر صحابه بعد رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یافتن پاسخ صحیح به احکام و مسائل دینی در می‌ماندند و به حضرت علیه السلام مراجعه می‌کردند و حضرت پاسخ صحیح را بیان می‌فرمودند. (رک: عبدالحسین احمد الامینی، الغدیر، ج ۸، ص ۲۱۴).
- ۸۹- حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳.
- ۹۰- عبدالله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۰. چنانکه علامه امینی گوید: صد و ده صحابه و هشاد و چهار تابعی حدیث غدیر را نقل کرده‌اند. وی بیش از شانزده مؤید می‌آورد که این آیه مربوط به جریان ولایت علی علیه السلام و غدیر حرم است. (عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۵۵۰ به بعد و نیز، رک: سید نورالدین حسینی تشری، احقاق الحق و احقاق الباطل، ج ۳، ص ۳۲۰؛ ج ۱۴، ص ۲۸۹-۲۹۱). حتی کسانی از اهل سنت مانند طبری در کتابی به نام الولایه (سه جلد) طرق و نصوص حدیث غدیر را جمع کرده است. (رک: عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۴۸).
- ۹۱- محمدین احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۶۱.
- ۹۲- همان، ج ۶، ص ۲۴۳.
- ۹۳- همان، ج ۴، ص ۱۰۴.
- ۹۴- همان، ج ۲۰، ص ۲۱۸.
- ۹۵- محمدین عمر رازی شافعی، التفسیر الکبیر او مقاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۱۲۴.
- ۹۶- در این باره، رک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ح (حلال گرایش به مادیگری)، ص ۴۵۸-۴۷۰.
- محدثهادی معرفت، صیانة القرآن عن التحریف.
- ۶۱- امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید: هرکس از اهتمام مسلمانان به جمع‌آوری قرآن و حفظ و ضبط قرائت و کتابت آن یاخیر باشد، به مستی و بطلان پندار تحریف پی می‌برد. (روح‌الله الموسوی الخمینی، تهذیب الاصول، تقریر جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۱۶۵).
- ۶۲- سیدابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۲-۲۷۳.
- ۶۳- در مورد مسائل مربوط به محکم و مشابه، رک: جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۴۳ / سیدابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۵-۲۸۰ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۹-۱۷ / محدثهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۹۸.
- ۶۴- علی‌بن جمعه حویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۷.
- ۶۵- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۶۰.
- ۶۶- محمدین مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۶۷- علی‌بن جمعه حویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۳۱۸.
- ۶۸- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۱۹.
- ۶۹- همان، ج ۹۳، ص ۱۲.
- ۷۰- البته در اینکه چه مقدار از آیات قرآن به وسیله آیات دیگر منسوخ شده‌اند، اختلاف نظر است، در این باره و مسائل دیگر نسخ، رک: محمدین جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۲، ص ۲۰ / سیدابوالقاسم خونی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۷-۲۸۶ / جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۴۷ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۸ / محدثهادی معرفت، التمهید، ج ۲، ص ۲۶۹-۳۹۷.
- ۷۱- مانند منسوخ شدن حکم به دادن صدق هنگام نجوا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آیه ۱۲ سوره مجادله یا آیه ۱۳ همین سوره، بعد از آنکه تنها حضرت علی علیه السلام صدقه داد و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله نجوا کردند. (ابراهیم‌علی، تفسیر الثعلبی، ج ۹، ص ۲۶۱).
- ۷۲- محمدین مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ص ۲۲، ج ۳.
- ۷۳- جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۴۷، ج ۳، ص ۵۸ / محمدین مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ص ۲۳، ج ۹.
- ۷۴- محسن فیض کاشانی، التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۷۵- مانده: ۳ / نحل: ۱۱۵.
- ۷۶- حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵۵.
- ۷۷- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۱.
- ۷۸- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۷۶-۸۰.

- ۹۷- از این مطلب ذیل عنوان «آسیب عدم باور به حجیت ظواهر قرآن» سخن گفتیم.
- ۹۸- خطابی چنین معتقد است. ر.ک: محمّدين احمد فرطی، *الجامع لاحکام القرآن*، ج ۱، ص ۳۷.
- ۹۹- در مورد اسرائیلیات، ر.ک: محمّدين محمد، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر / محمّدهادی معرفت، التفسیر و المفسرون*، ج ۲، ص ۳۱۳.
- ۱۰۰- محمّدحسین ذهبی، *التفسیر و المفسرون*، ج ۱، ص ۱۶۱.
- ۱۰۱- ابواسحاق بن مائع جمیری، معروف به کعب الاحبار (م ۲۴۴ق) یکی از بزرگترین دانشمندان یهودی بود. (ر.ک: ابن اثیر، *النهاية فی غریب الحدیث و الاثر*، ج ۱، ص ۳۲۸، ماده «حبر»).
- ۱۰۲- مانند: ۱۲ / بقره: ۱۰۹.
- ۱۰۳- جلال‌الدین سیوطی، *الدر المنثور*، ج ۶، ص ۳۰؛ ج ۱۶، ص ۱۴. داستان یاجوج و ماجوج در تفسیر آیه ۱۰۲ بقره، ج ۱، ص ۹۷-۱۰۳ و در تفسیر مسوره «ص» آیات ۲۵-۲۱، ج ۵، ص ۳۰۲-۳۳۰ و محمّدين جریر طبری، *جامع البیان*، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۳، قصه حضرت آدم، ج ۹، ص ۹۷.
- ۱۰۴- سید محمّدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۵، ص ۲۲۳.
- ۱۰۵- نیز، ر.ک: مانند: ۱۰۴ / زخرف: ۲۱-۲۴.
- ۱۰۶- مانند ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمّد: ۲۴) و ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۲).
- ۱۰۷- در این باره، ر.ک: سید محمّدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۳، ص ۶۶؛ ج ۵، ص ۲۸۹-۲۹۲ / جلال‌الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۴، ص ۸۸.
- ۱۰۸- ﴿وَأَنذَرُوا اللَّهَ وَتَعَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾ (بقره: ۲۸۲).
- ۱۰۹- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ (حدید: ۲۸).
- ۱۱۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹).
- ۱۱۱- سید محمود آلوسی، *روح المعانی*، ج ۱، ص ۶۵.
- ۱۱۲- ﴿ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين﴾ (بقره: ۲) و نیز قرآن کریم شرط بهره مندی از خود را توبه و برگشت و به سوی الهی می‌داند: ق: ۸ و مؤمن: ۱۳.
- ۱۱۳- در این باره، ر.ک: محمّدحسین علی الصغیر، *خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی*، ترجمه محمّدصادق شریعت، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.
- منابع
- نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، بی‌تا.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن اثیر، الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العربیه، ط الثانية، ۱۳۸۵ق.
- ابن اثیر، محمّدين مبارک، *النهاية فی غریب الحدیث و الاثر*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ابن منظور، محمّدين مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۳۰۰ق.
- ابوزید، نصر حامد، «تاریخ‌مندی، مفهوم پوشیده و مبهم»، ترجمه و تحقیق محمّدتقی کریمی، نقد و نظر، ش ۱۲ (پاییز ۱۳۷۶)، ۳۶۱-۳۴۲.
- استرآبادی، محمّدامین، *الفوائد المصدّیة*، بی‌جا، دارالنشر لاهل البيت علیهم السلام، بی‌تا.
- امینی، عبدالحسین احمد، *الغدیر*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ق.
- یابایی، علی اکبر، *مکاتب تفسیر*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، مرکز الطباعة و النشر فی المؤسسة البعث، ۱۴۱۷ق.
- برقی، سید ابوالفضل، *تأیسی از قرآن کریم*، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
- ثعلبی، ابواسحاق، *تفسیر التعلیسی*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- جلیلی، هدایت‌الله، «قرآن در هم‌زمانی با بشر»، *کیان*، ش ۲۳ (بهار ۱۳۷۲)، ص ۲۵۳۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *تستیم، تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
- حاکم حسکانی، عیبدالله بن احمد، *شواهد التنزیل*، بی‌جا، مؤسسة الطبع دارالنشر، ۱۳۶۹.
- حرّانی، یوسف بن احمد، *الدرور النجفیة*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی‌تا.
- حسینی تستری، سید نورالدین، *احقاق الحق و احقاق الباطل*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۶.
- حویزی، عبدعلی جمعه، *تفسیر نورالشاقین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
- خرّم‌شاهی، بهاء‌الدین، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن»، *بینات*، ش ۵ (بهار ۱۳۷۴)، ص ۹۸-۹۰.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات انوار

- الهدی، ۱۴۰۱ق.
- ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالارقم، ۱۳۹۶م.
- رازی شافعی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- واغب اصفهانی، حسین، مقدمه جامع التفاسیر، بیروت، دارالدعوة، ۱۴۰۵ق.
- زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.
- سروش، عبدالکریم، بسط تجرید نبوی، تهران، صراط، ۱۳۷۹.
- سیس، قیض و بسط تئوریک شریعت، تهران، صراط، ۱۳۷۳.
- مصاحبه در باب بلورالیزم دینی، کیان، ش ۴۰ (بهمن و اسفند ۱۳۷۶)، ص ۱۸۳.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- الاتقان فی علوم القرآن، قم، شریف رضی، بی تا.
- شعار، یوسف، تفسیر آیات مشکله، بی جا، مجلس تفسیر قرآن، چ سوم، ۱۳۶۷.
- صادقی، محمد، گفت‌وگو با استاد دکتر محمد صادقی، پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ (بهار ۱۳۷۶)، ص ۲۷۰-۲۸۱.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعمالی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۰ق.
- طوسی، محمدبن حسن، النبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- علی‌الصغیر، محمدحسین، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه محمدصادق شریعت، بی جا، مؤسسة مطلع فجر، ۱۳۷۲.
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، مؤسسة الاعمالی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
- فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۶ق.
- قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- کریمی، مصطفی، روش تفسیری مورد تأیید اهل بیت (علیهم السلام)،

معرفت، ش ۷۱ (آبان ۱۳۸۲)، ص ۲۶-۳۴.

- کلینی، محمدبن یعقوب، الفروع من الکافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۲۸۸ق.

- اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۲۸۸ش.

- متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۱۲ق.

- محمد، محمدبن، الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۳ق.

- مصباح، محمدتقی، قرآن شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجیبی، قم، مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.

- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱ (هلل گرایش به مادیگری)، تهران، صدرا، چ دهم، ۱۳۸۰.

- معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب، مشهد، منشورات الجامعة الرضوی، ۱۴۱۸ق.

- التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.

- حیانه القرآن من التحریف، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

- موسوی خمینی، روح‌الله، تهذیب الاصول، تقریر جعفر سبحانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.